

دوره نهم تقنیه

جلسه ۱۱۰

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(با روز مذاکرات قبل از دستور)

یکشنبه ۱۱ آذرماه ۱۳۱۳ - ۲۴ شعبان ۱۳۵۳

شماره مسلسل : ۶۵۴

قیمت اشتراك } سالانه : ۷۰۰ ریال
داخه : ۲۰۰ ریال
تک شماره : دو ریال
خارجه : ۱۰۰ ریال

مطبعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۱۱ آذر ۱۳۱۳ (۲۴ شعبان ۱۳۵۳)

فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس
(۲) تقدیم يك نقره لایحه از طرف آقای رئیس صناعت راجع بکارگرهای چینی
- (۳) شور اول خبر کمیسیون معارف راجع باوقاف
(۴) تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

(مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس روز پنجشنبه هشتم آذر ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

- شور اول :
- خبر از کمیسیون معارف بمجلس مقدس شورای ملی
کمیسیون معارف در جلسه پنجم آذرماه ۱۳۱۳ لایحه
نمبر ۳۹۰۳۵-۶۱۱۷ دولت راجع باوقاف را بحضور
آقای کفیل وزارت معارف مورد شور و مذاکره قرار داده
و با اصلاحاتی مواد ذیل را تنظیم نموده اینک خبر آنرا
برای شور اول تقدیم مینماید :
- ماده ۱- اداره کردن موقوفاتی که متولی ندارد یا
مجهول اثری است باوزارت معارف و اوقاف است و در
صورتیکه منضدی داشته باشد ممکن است وزارت مزبوره
- [۱ - تصویب صورت مجلس]
رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ (گفته شد -
خیر) - صورت مجلس تصویب شد . آقای رئیس کل
صناعت .
- [۲ - تقدیم يك نقره لایحه از طرف آقای رئیس
صناعت راجع بچند نفر کارگر چینی]
رئیس کل صناعت (آقای بان) - لایحه است راجع
بجدید استخدام چند نفر کارگر چینی متخصص چاپکاری
تقدیم میکنم .
- [۳ - شور اول خبر کمیسیون معارف راجع باوقاف]
رئیس - خبر از کمیسیون معارف راجع باوقاف

این مذاکرات مشروح بکمد و دهمین جلسه از دوره نهم تقنینیه (مطابق قانون آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آقایان : ملک مدنی - علوی سبزواری - اعظم زنگنه - اسامی خوئی - دکتر انهم - پونس آقا و هابزاده
عبط - شریعت زاده - کورس - مدلل - یور سرزیب .
دبر آمدگان بی اجازه - آقایان : روحی - امیر ابراهیمی - دهستانی - دکتر طاهری - امیدی - بقوانی - بیات -
افندی - عراقی - اقبازی - طهرانی - مودعی - طهرانی - پناهی - نیکبورد - آقا شاهپوری - فراگوزلو - هراز - مسعودی خراسانی

در دست او ابقاء نماید .

بصره - مقصود از مجهول التولیه آن است که متولی شخص معین یا شخص و یا بر حسب اوصاف که بالاخره منطبق با شخص معینی میشود معلوم نماید .

ماده ۲ - نسبت به موقوفات عامه که متولی مخصوص دارد وزارت معارف و اوقاف نظارت کامل داشته و بر طبق مواد ۸ و ۶ قانون اداری وزارت معارف و اوقاف مسوب شعبان ۱۳۳۸ وضعیه آن رفتار خواهد نمود .

ماده ۳ - اموال غیر منقول که بر حسب سندر یا وصیت یا حبس منافع آن بطور دائم یا در مدتی که کمتر از ۲۰ سال نباشد برای مصارف عامه تخصیص داده شده مشمول مواد ۲ و ۱ این قانون خواهد بود .

ماده ۴ - وزارت معارف و اوقاف در موقوفات خاصه یا مستثنایه موارد ماده ۷ مداخله ندارد .

ماده ۵ - در موقوفات عامه که اداره آن مستقیماً با وزارت معارف و اوقاف است از حیث تقاضای ثبت و اعتراض بر ثبت و قیامه دعوی و طرفیت در دعوی و غیره وزارت معزیه ایها مانند متولی منصوص خواهد بود و در موقوفات عامه که نظارت آن با اداره اوقاف است حق تقاضای ثبت و اعتراض بر آن و قیامه دعوی دارد و اگر متولی طرف دعوی واقع شده باشد میتواند بعنوان ثالث داخل در محاکمه شده و در صورت محکوم شدن متولی بر حکم اعتراض نماید .

ماده ۶ - در موارد مذکوره در ماده قبل هرگاه رقبه مورد دعوی بموجب تصدیق مالیه محل هیچگونه عایدی نداشته باشد وزارت معارف و اوقاف از پرداخت مخارج محاکمه معاف خواهد بود و در صورتیکه ملک عایدی داشته باشد ولی در تصرف وزارت مزبور نباشد موقتاً از پرداخت مخارج معاف است ولی پس از صدور حکم قضی و تصرف در ملک باید مخارج محاکمه را پردازند .

ماده ۷ - بیع وقف و تبدیل آن در موردی که مطابق مواد ۸ و ۸۸ قانون مدنی جایز است باید با اطلاع و تصویب وزارت معارف و اوقاف و با رعایت ماده ۹۰ قانون مزبور واقع شود .

آذربایجان و موقوفاتی که در آنجا بوده است اطلاع کامل دارم مثلاً در آذربایجان موقوفات شیخ علی‌الرحمه بوده تمام اینها از میان رفته که امروز میتوان گفت دیگر چیزی نیست موقوفات جهان‌شاه بوده است که یکی از بن رفته است موقوفات دیگری هم بوده است که آنها هم یکی از بین رفته است یک دوسه فقره موقوفات مختصری میباشد که یکی موقوفات قائم مقامی بوده است که از قراری که شهیدام وزارت معارف و اوقاف دوسه سال است آنها را دست گرفته ولی آنها هم هنوز خوب اداره نشده آنچه بنده اطلاع دارم از موقوفات قائم مقامی یک نهمی هست سرفاق معروف که عمده آقایان دیده اند و میباشند بنده یک وقتی مقاصد حساب همین سرفاق را دیدم هزار خروار بوزن تیریز عایدی داشته است امروز بنده گمان ندارم که سرفاق نصفه این محصول عایدی داشته باشد جهش این است که خوب اداره نشده است یکی دو فقره موقوفات دیگر هم هست از زندیه و غیره زمینیه که آنها هم حقیقه خوب اداره نشده یک شخصیه آمده اند خود را متصدی قلمداد کرده اند و حقیقه اوقاف را ببرند و میخورند و در بین راههایی که حقیقه غیر مشروع بوده صرف میکنند پس هر قانونی که از مجلس گذرانندیم ولو آن قانون خیلی خوب باشد مربوط باوقاف و غیر اوقاف اینرا باید در ضمن خوب اجرا کرد باید تشکیلاتش را خوب داد و الا هیچ فایده ندارد چنانچه عرض کردم غالب این اوقاف زمین رفته است از وقتی که مسئله ثبت اسناد در مملکت شروع شده است آنچه شنیدیم و دیدیم یک محل هائی بوده است مثلاً ارضی دهات موقوفه بوده است آنها را هم مردم آمده اند باسم ملک ثبت داده اند چون تشکیلات صحیح نبوده است اداره اوقاف اعتراض نکرده با اینکه اعتراض کرده بهرگز گفته تا جواب برود آن مدت قانونی منقضی شده و ثبت کرده اند و آن شخص هم ورقه مالکیت گرفته و این اوقاف از دست رفته در غالب جاها بنده اطلاع دارم اینطور است و جهش این است که موقوفات خوب اداره نشده است موقوفات اگر اداره شود عیدیش خیلی بیشتر میشود ما در مملکت خودمان یک موقوفه را سراغ داریم که خوب اداره شد

و آن موقوفات آستانه مقدسه رضوی است بدانکه دولت شاهنشاهی بهلوی ظهور کرد و این موقوفات اداره شد بنده نظرم است بیست سال قبل اشراف بخراسان بودم تحقیق کردم گفتند قسمت اعظم املاک آستانه مقدسه در دست اشخاص است آنها را که دور حرم جمع شده اند و در حقیقت حکم قبول داشته و در دست آستانه نیست و آنوقت همانطوریکه آقایان هم شنیدند و گفتند آستانه مقدسه رضوی بیست هزار تومان هم مقروض است ولی همینکه این موقوفات بر حسب استحقاق در تحت اختیار و قدرت کاملی انطباق صورت همایونی واقع شد چنان اداره شد که آقایان غالباً گمان میفرمایند در این نزدیکی بخراسان دیدند که عایدی این اوقافی که هیچ نمیشد و سابقاً که با اطلاع داشتیم پادشاه وقت بکفرت متولی قرار میداد و اوایل هفت هزار تومان ازش میگرفتند بعد اواخر بیست هزار تومان ازش میگرفتند آن شخص هم میراث آنجا با اشخاصی که این املاک قبول بود و دست آنها بود میساخت و موقوفات آستانه را از میان میبردند همین موقوفات امروز عایدیش از یک کرور تجاوز است مؤلف ت خوب در آستانه رضوی تأسیس شده که حقیقه این عایدی موقوفات رضوی علاوه بر اینکه آستانه مقدسه کمک میکند بشهر مشهد هم کمک میکند و این جهش حسن اداره آنجا است جاهای دیگر حسن اداره نشده پس ما امروز بایتم یک قانونی تصویب میکنیم که موقوفات را وزارت معارف اداره کند این صحیح است در مملکت موقوفات باید مطابق این ترتیبات صحیحه در دست معارف و اوقاف باشد و اداره کند بنده عقیده ام این است این را تذکره عرض میکنم و الا با عمل لایحه که در وقت را داریم بلکه بیشتر از این اختیارات را برای وزارت معارف قائم ولی بین تشکیلات فعلی عقیده ام این است (شاید خود آقای کتبی و وزارت معارف هم تصدیق بکنند) که اوقاف اداره نمیشود اگر بخواهد وقف مملکت اداره شود باید یک تشکیلات صحیحه یعنی یک اختیارات کاملی در ساری اوقاف در هر محلی داشته باشد چنانچه عرض کردم یک کسی ثبت داده موقوفه را باسم خودش و اداره محل حق نداشته اعتراض داده باینکه اطلاع داده

مورد ثبت گذشت و سند مالکیت صادر شده باشد
 بلك اختیارات کاملی داشته باشد که اوقاف را اداره
 کند والا با این تشکیلات فعلی اوقاف اداره نخواهد
 شد این بلك عرض بنده بود در کلیات . بلك عرض هم
 راجع باین مقصدی داشتم که در قانون کبیانه شده لفظ
 مقصدی را بنده فهمیدم معنیش چه چیز است شخصی که
 مقصدی است یعنی موقوفه دستش است یا متولی است
 بر حسب این قانون و قانون سابق یا متولی نیست اگر
 متولی است باید اسمش را متولی گذاشت و اوقاف هم
 دست او باشد معنی این قانون و در آنجائی که اداره
 اوقاف نظارت کامل دارد باید نظارت داشته باشد و اگر
 حقیقه متولی نیست باید از دستش گرفت والا بنده
 مقصدی را نمیدانم چه معنی میدهد اینجا دیگر مثل املاک
 نیست که کسی مقصدی باشد که من پیام بگویم من در
 این ملك مقصدیم متصرفم اینجا یا تولیتش ثابت است یا
 ثابت نیست اگر ثابت نیست باید از دستش گرفت این
 بلك نظر بنده است و بلك نظر دیگر بنده راجع بنظامنامه بود
 که در ماده ده ذکر شده نظامنامه حقیقه چنانچه آقایان
 ملاحظه میفرمایند چیزی است که اصلاً بعبده بنده این
 ماده لازم نبود و بنده عقیده ندارم که مادر قانون اینقدر
 وسعت بدهیم که وزارتخانهها اختیار داشته باشند بلك
 نظامنامه هائی تدوین کنند هر قانون البته اجرائش بلك
 نظامنامه میخواهد در حدود آن قانون و دولت هم مجاز
 است برای اجرای هر قانونی نظامنامه ترتیب بدهد این
 نظامنامه که با این ترتیب نوشته شده بنده عقیده ام این
 است که بعد از آنکه تصویب هیئت دولت رسید تصویب
 کبسیون معارف هم برسد البته است البته کبسیون
 معارف هم آقایان اعضاء کبسیون معارف اشخاص مطلع
 و بصیری هستند آقای کفیل معارف نظامنامه را با آنها
 شور میکند و بالاخره تصویب آنها میرسد این هم بلك
 عرض بنده بود که بهتر است که نظامنامه تصویب کبسیون
 معارف هم برسد این عرض بنده بود در کلیات و بالاخره
 باز عقیده ام این است که اداره اوقاف باید بیشتر از این
 تشکیلات داشته باشد تا بتواند اوقاف را اداره کند .

کفیل وزارت معارف - خیلی بنده تشکر دارم از آقای
 دینا که ابتدای فرمایشاتشان را متوجه کردند باز

دانشان را کوتاه کنیم و باید از این اشخاص استفاده
 کرد این است که آنجا نوشته شده ممکن است وزارت معارف
 آنها را در کار خودشان ایفاء کند و راجع بنظامنامه هم
 که تذکری دادند بنده سابق هم از آقایان استدعا کردم که
 فقط آقایان اعضاء کبسیون معارف بلکه تمام آقایان
 لازم است در این باب با ما توجید مساعی کنند و نظر
 خودشان را اظهار کنند و تشربك مساعی کنیم و البته
 در نوشتن نظامنامه هم نظر آقایان جلب خواهد شد .

رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - هر جامعه و هر مملکتی برای تأمین
 حوائج عمومی و مخارج عمومی خود عواید مختلفی دارد بلك رشته
 عرابدی که صرف تأمین مخارج عمومی میشود عوایدی است
 که بوسیله دولت جمع آوری شده و صرف مخارج جامعه و
 مملکت میشود ولی بلك رشته از منابع عایدی دیگری که
 تأمین مخارج عمومی میشود و آن منابع عایدات ملی است
 خوشبختانه در مملکت ما بواسطه مسئله وقف و موقوفات
 وسیله خیلی خوبی در دست است که بتوانیم از محل عواید
 اوقاف احتیاجات عمومی و حوائج ضروری جامعه را تأمین
 کنیم تصور میکنم مدت زمانی است که طبقه اصلاح طلب
 و منور الفکر مملکت منتظر بلك چنین فرصت و موقعی
 هستند که بتوانند با حسن وجه عواید موقوفات را صرف
 مخارج عمومی مملکت بکنند در این لایحه که اخیراً از
 طرف وزارت معارف تهیه شده است و بمجلس آمده است
 و خبرش امروز در مجلس مطرح است بلك مسئله که
 بنظر بنده خیلی مهم است و تأثیر دارد و مورد انتظار
 طبقه اصلاح طلب بوده است تذکر داده شده و پیش بینی
 نشده بنده میخواستم توجه آقای کفیل محترم را بطرف
 این مطلب جلب کنم بلك سلسله از موقوفاتی که در
 مملکت ما موجود است یا بواسطه جهل متصدیان وقت
 یا بواسطه اقتضای موقع و زمان بلك مصارفی برایش منظور
 شده است که بنظر بنده اگر بخواهیم امروز هم آن
 عایدات و موقوفات را تصدیق کنیم صرف آن مخارج
 شود هیچ مصلحت نیست برای اینکه عرض کردم بهترین

وسيله برای تأمین مخارج عمومی مملکت عایدات اوقاف
 مملکتی است بنده اجلاً اشاره میکنم بلك موضوع و با
 اشاره باین مطالب تصور میکنم بقدركافی توجه آقای کفیل
 معارف را جلب کرده باشم شاید اغلب آقایان اطلاع
 داشته باشند که یکی از واقفین قسمتی از مصارف موقوفات
 خودش را همین کرده است که برای عزای عرب عبد
 گرفته شود (اورنگ - اینطور نیست - ما دیدیم) اجازه
 بدهید بنده عرضم را بکنم حضرت ملی هم در موقع خودش
 بفرماید بنده خیال میکنم شاید بر حسب مقتضیات وقت
 زمان مقتضی بوده واقفی بیاید و همچو مصرفی تعیین کند
 ولی امروز که این میکنم مقتضی و مصلحت باشد که موقوفات
 باین قبیل مصارف برسد بنده عقیده دارم که بایستی دولت
 توجه کند بموقوفات و بوقفنامه هائی که هست مراجعه
 کند و در این قبیل مصارفی که خیلی لغو بنظر میآید وقت
 کند . بنظر بنده ما بلك احتیاجات مهمی داریم در اغلب
 نقاط مملکت ما مردم بواسطه نبودن طبیب بواسطه نبودن
 مریمخانه بواسطه نبودن دوا میمیرند کدام محل خیر است
 از احیای نفوس بهتر بعقیده بنده این وظیفه دولت است
 که توجه کند این قبیل کار هائی که بنظر لغو یا غیر
 لازم میآید بمصارف الزم برساند بنابراین معتقد هستم
 دولت بلك مراقبت و توجهی باز قوم این قبیل موقوفات
 که مصارفش متناسب نیست یا موقوفات دیگری که بطور
 کلی نوشته شده است بمصرف میرات و خیرات برسد این
 را بنظر بنده جمع کنند و برای احیای نفوس مملکت و
 جلوگیری از انلاف و برای تأسیس مریمخانه برای تهیه
 دوا بمصرف برسانند بعقیده بنده این بزرگترین خدمتی است
 که بیجا شده است و بنده قول و اطمینان میدهم که
 واقف هم مقتضی درجه خوشوقت و راضی باشد برای این
 که آن روزی که این مصرف را در نظر گرفته است متوجه
 بلك چنین مصرف خوبی نبوده است بعقیده بنده این نکته
 در این لایحه فوت شده و مقتضی است که در این قسمت
 هم توجهی بشود که بنظر بنده باید موقوفات مصرفش بلك
 مصرفی باشد که طرف احتیاج جامعه باشد و بکفایت از

احتیاجات عمومی و احتیاجات نوعی مملکت را تأمین کند این تذکری بود که بنده لازم میدانم بحسب انتظاری که طبقه اصلاح طلب از دولت دارند تذکر بدهم امیدوارم مورد توجه دولت هم واقع شود.

ولس - آقای امیر

الحیر - اصلاح باید يك نظري بلن قسمت کرد که موافق یعنی چه و برای چه کار است اصلاح بنظر بنده یکی از قوانینی که در شرح ماست و خیلی خوب است یکی وصیت است و یکی هم وقف که يك خیر ابدی برای شخص هست که همیشه منظور نظر آن جمع آورنده مال اجرا شود که يك مدتی خودش زحمت بکشد و فرضا با اولادش نداده و میخواهد میل خودش را اجرا کند بعد از مردنش این بود که حقیقه وقف پیدا شده که من بتوانم بعد از خودم تا هزار سال آن نظر خودم را حفظ کنم و بسیار خوب کاری است و اما تغییر این نظر هم دلیل ندارد مگر يك مطالب خیلی مهمی باشد در قانون اداری اوقاف که در ۱۳۲۸ مجلس دوم تصویب کرده عین این عبارت است که مال حدیث است و مصرف موقوفات است حسب ما اوقفا اهلها یعنی صرف آن چیزی شود که واقف وقف کرده وزارت معارف باید نظارت داشته باشد که همان مصرف برسد حالا پنجاه سال قبل يك نظري داشت خواسته برای عجم یا عرب یا ترك درست كند به بنده چه وزارت معارف باید نظارت كند که آن مصرفی را که او چند سال قبل در نظر داشته اجرا شود هر چه خواسته است یا به سرش یا به پسر عمویش برسد مگر مصرف يك چیزی باشد که عقلاً نمیتواند یا قابل اجرا نباشد مثل موقوفات متعذر مصرف که اصلاً قابل اجرا نیست این يك مطلبی است که میشود برایش فکر کرد اما بگوئیم واقف آنچور که گفته شدش اینطور نبود است در صورتیکه بعضی از این واقفین در زمان خود ما بوده اند و نظرشان را دیده ایم حالا نظرس را امروز بنده نیستم دلیل بر این است که نظر او را دولت تغییر بدهد ما موافقم که دولت باید نظارت داشته باشد و نظر واقف را اجرا کند (صحیح است) و اگر

واقفین و همانچور که فرمودند تا درجه به مصرف معارف و به مصرف تعلیمات مردم برسد و مطابق بیات واقف هم مصرف شود این را جالبه بدتر کرد این بود که مخالفت کردیم در دوره چهارم و در کردیم نیم عشر را و هر وقت هم که این قانون آمد بمناسبت بعضی مواد تند و بعضی عبارتهای تند آقایان ممالحت داشتند امروز بنظر بنده این قانون يك قانون خوبی است که هم بجهتیکم فرمودند از قبیل از بین رفتن اوقاف بواسطه اختیار دادن رؤسای اوقاف و داشتن جغرافی که برود حقوق عدلیه و وکیل را بدهد و دعوی کند در برابر متولیان وقت خوب است و هم ممالحت این است که تا زود است يك ترتیب مناسبی بدهیم برای حفظ این اوقاف امروز اگر بجهت قناعت کنیم که از اوقاف بقدری بگیریم که خود این اداره شود همین کافی است لازم نیست بگوئیم که بعضی را چه کنیم در نك آرا چكار کنیم رهش را چكار کنیم گاهی از اوقاف يك اشیا پیدا میشود که مجهول مصرف و مجهول التولیه را یکی از رؤسای مهم اوقاف که از بامورین مهم است يك وقتی اینجا مذاکره میکرد مجهول مصرف را با مجهول التولیه یکی فرض کرده بود و میگفت باید در عشر بگیرد هر چه میگفتیم مجهول مصرف غریز مجهول التولیه است البته اگر آنطور باشد نمیشود اما این قانون نسبتاً قانون مناسبی است بنده در مواد مخصوصاً ماده هفت و هشت نظر عالی دارم در موقوفش عرض خواهم کرد ولی در کلیات موافقم.

ولس - آقای ملک زادم

بکتر ملک زادم - این مسئله اوقاف یکی از آرزوهای نوعی ما بودم است که لزماً سالهای دراز انتظار داشتیم مورد توجه شود و اصلاحاتی در او بشود در سال گذشته هم که يك لایحه هم از طرف وزارت معارف تقدیم مجلس شد راجع باوقاف بنده عقیده خودم را بطور تفصیل بر عرض مجلس شورای ملی رساندم حالا چون بعضی از آقایان بیاناتی فرمودند بنده میخواهم بدون اینکه زیاد داخل در موقدمات شوم نتیجه عرایض خودم را عرض کنم البته

موضوع اوقاف يك مسئله است نظری و عملی ماها دارای يك عقیده هستیم و بنده از اشخاصی هستم که آرزو بندهم و سالیانست عقیده دارم که وزارت معارف باید يك لایحه تفصیلی و جامع راجع با اداره کردن اوقاف که حاکی از نظارت کامل وزارت معارف در امور اوقاف باشد بیاورد و آن لایحه و آن قانون بتواند يك كوك مؤثری بجهت و معارف عمومی مملکت بکند این عقیده و آرزو نتیجه عقیدههایی است که بنده میخواستم عرض کنم و جس میکنم از بیاناتی که آقای کفیل وزارت معارف فرمودند ایشان هم روحاً شاید با این نظریه موافق هستند این که عرض کردم نظارت کامل داشته باشند برای این است که باکل تناسف می بینم بعضی از مساجد و آثار مهم مملکت که اسباب اقتضای مملکت است سالها دارای موقوفاتی بوده است که این موقوفات خرج يك کار عالی میشود و آنها در حال خرابی بوده است که امروز وزارت معارف از بودجه خودش مجبور است تعمیرات آن آثار ملی را بکند بنده عرض میکنم خوب است عواید این موقوفات خرج آن تعمیرات بشود و این آثاری که اسباب اقتضای مملکت شناخته میشود از بین نرود دوم اینکه همینطور که آقای دیبا تذکر دادند ما خودمان را در این زمینه دارای يك برهان محلی و ثبت شده می بینیم و آن عبارت از اوقاف خراسان است که در این جا بیسان شد و در نتیجه توجه و توجهی که معارف باوقاف ایجاد کرده امروز ما دارای يك مریضخانه هستیم که نه فقط اسباب اقتضای ایران است بلکه ببقیه جمعی یکی از بزرگترین مریضخانههای آسیا است. يك مریضخانه که شاید متجاوز از هشتاد هزار ذرع مربع زیر بنا دارد. قسمت طبي و جراحی و ابرامش اطفال و تمام قسمت ها را بطوری که تمام آقایان بلا حفاظ فرموده اند دارد و این بهترین نمونه ترقیات عمر تمدن ایران است آن موقوفات بآن ترتیبی که دیدم بودید و آن دارالتفهی قدیم که واقفاً اگر دارالاسرايش می گفتند بوز بود این چهار مبدل شد به همچو مریضخانه وسیعی که بنده خیلی آرزو بندهم در طهران هم همچو مریضخانه تاسیس شود.

این ماه هم در نتیجه خوب اداره کردن اوقاف بود هم بطور هم بنده خردم را موظف بدانم دیگر کتم از مدرسه و کلاس و دبیرستانی که آنجا ساخته شده و این مدرسه بطوری از روی اصول حفظالصحه و نظافت ساخته شده و تمام مسکات و دفاتر ساختمانی و صحی مطابق اصول امروزه دنیا در آن رعایت شده و بکار رفته است. این است که بنده مقصودم هم بطور که می بینم چقدر خوب اداره شدن موقوفات دفع استنباطا بکار بکند قانون اجازه میدهد عایدات موقوفات را باید خرج صحیه و معارف نمود. این نکته را هم بجهت تذکر بدم در تأیید بیانات آقای احتشام زاده که در بعضی موارد هست که دولت باید نظارت کند که عواید مطابق مقتضیات وقت صرف شود. مثلاً فرض کنید يك ابرامی وطن پرستی در پند سال پیش از این نذر و وقف کرده که برای حفظ و سلامت از عواید موقوفه اش در سال ده هزار تبر و کتان بگذرد و بدهند بقشون. البته در آن وقت يك همچو اسلحه ببرد سلامت بخورده ولی امروزه ببرد بخورد و تبر و کتان جزو اسلحه نیست پس باید پولش را گرفت و تنگ ساخت. بنده و مقدم که در اینگونه موارد باید يك قدری اجتهاد کرد و سعی کرد که اینگونه پولها را بوجه احسن برای معارف و صحیه و بالاخره کارهای عام المنفعه در سلامت بکار برند. يك نکته دیگر هم میخواهم عرض کنم: با احتیاجی که سلامت به توسعه صحیه و معارف دارد و با قریبانی که سلامت کرده و دفع آن رسیده که دولت اقدامی راجع به تحولات عمومی و اجباری بنماید اگر دولت نصف بودجه سلامت را برای معارف و صحیه تخصیص بدهد باز يك منابع خارجی برای پیعرفت امور صحی و معارفی پیدا نموده نمی توانیم از عهده این مقصود ملی بر آئیم. و احتیاجات صحی و معارفی خود مان را تأمین کنیم. بنده معتقدم و در نتیجه عرایض خود عرض میکنم که يك قسمت از مدافع اوقاف باید صرف پیعرفت امور معارفی و صحی سلامت بشود و این یکی از آرزوهای است که سالهاست ما داریم و امیدوار هستیم که در این دوره به وقوع اجرا و عمل گذارده شود.

دلپس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - اولاً لازم است عرض کنم راجع به موقوفات يك صیغه هست در اسلام و آن عبارت است از حبس بین و تسبیل و تفتت. یعنی عین مالك را کسی که مالك است از فروش و نقل و انتقال و تصرفات متنوع میکند ولی تفتت را تسبیل میکنند بفر کاری که میل دارد. و این یکی از چیزهای خیلی مفید است شخص مالك که زحمت کتبیده و يك مالی را تهیه کرده میخواهد يك آرزوهای که دارد بعد از خودش به موقع اجرا گذاشته شود (صحیح است) حالا در این دو نظر است بعضی می گویند که هر کس مالك مالك است اختیارش را دارد و هر کاری کرد کرد و دولت هیچ حق دخالت ندارد. این يك نظر تقریبی است. يك عدد دیگر نظر افراطی را گرفته اند و میگویند که خبر این شخص مالك که در زمان خویش این مال را جمع کرده حالا که برای مصرف معینی وقف کرده است فتولی کرده و يك کسی دیگر که عبارت از دولت یا وزارت معاف است حق دارد بپاید و برخلاف آنچه او تصور کرده است مصرف کند. بنابراین بنده وزارت معارف و اوقاف هم این نظر فتولی را ندارد. ما بایستی سعی کنیم که بیات مردم را تقویت کنیم یعنی بفرمانیم به مردم که دولت میخواهد چار املاك موقوفه را بگیرد و برخلاف مافروضه اوقاف مصرف کند برای اینکه اشخاص دیگری هم اگر پیدا شدند و خواستند برای مریضخانه یا کارهای خیر يك املاکی را وقف کنند مطمئن باشند که مجلس و دولت همیشه پشتیبانیت آنها است. مقصود از اقدام وزارت معارف این است که نظر واقف اجرا شود یعنی متولیان با مقصدی برخلاف نیت واقف عمل نکنند پس بنده از آقایانی که نظر افراطی دارند خواهش میکنم صرف نظر بکنند. و لایحه هم لایحه بسیار خوبی است که دولت و اوقاف نظارت کنند که موقوفات مقرر اوقاف به مصرف برسد و این در موقوفات عمومی است و در املاك خصوصی هم مثل وقف بر اولاد تصریح دارد که دولت دخالت ندارد. زیرا وقف بر اولاد وقتی است که واقف

وقف میکنند برای اینکه مالك از سلسله اش بیرون نرود مگر در يك مواردی که خیلی نادر است. از قبیل اینکه مثلا مالك خراب شود یا تجزیه شود آوقت باید دولت نظارت کند بیک طریق خاصی او را بفروشد و قیمتش از بین نرود. پس به عقیده بنده ما بایست همانطور که در قانون مدنی هست و عقلا هم جائز و هم بتطور است ایست مالك و واقف را محترم بشماریم و لایحه هم مبتنی بر همین است و بنده کاملاً موافقم و در موارد مختصر عرایض دارم که عرض میکنم.

دلپس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده در تالیفی بیرون اجازه خواسته بودم توسعه تذکر را که لازم میدانم بمرض برسانم بعضی از آقایان مقدمه اجازه گرفته بودند صحبت کردند لازم شد قبل از آنکه آن تذکرات را عرض کنم يك تذکر دیگری به آقایان بدم چون اظهارات آقای دکتر مالك زاده و احتشام زاده روی نظریات و آملی است که هر کس راجع باوقف دارد. بنده لازم شد توضیح بدم که این لایحه لایحه اوقاف نیست. موادی سابقاً در دوره دوم تقنینیه راجع به نظارت وزارت معارف در اداره کردن امور اوقاف نوشته شد دو ماده از آن قانون که ماده شش و هفت شد این ها در حین عمل و اجرا دچار يك اشکالاتی شد که لازم شد آن اشکالات مرتفع شود و این قانون را آوردند پس این قانون تقریباً تشریح آن مواد است و چیز تازه نیست. چیزی را که بنده لازم دانستم عرض کنم این بود که اولاً قانون سابق بقوت خودش باقی است و این قانون از آن نسخ نمیکند. بلك اینکه آن بسیار قانون خوبی است (یکی از نمایندگان - آن باید نسخ شود) تجزیه - عرض کنم حضور مبارك عالی چون در این قانون از نسخ آن اشاره نشد پس آن قانون بقوت خودش باقی است. البته آرزوهای که ما راجع به اوقاف داریم انشالله موقعش مقتضی میشود و هر وقت دولت صلاح دانست آن لایحه را بمجلس میآورد. مثلاً بنده یکی از عقایدی که دارم این است: آن موقوفاتی که وقف است بر مدارس و مریضخانهها این

دو قسم را بنده عقیده دارم که کاملاً دولت باید اداره کند بهات اشکال عجالتاً در مملکت ما معارف دو قسم شده یکی بطرز جدید و یکی بطرز سابق که حتماً باید از این دولت تشکر کنیم که کفیل وزارت معارف بمدراس سابق و تالیفات سابق اهمیت دادند و مدرسه سیهسالار بهترین نمونه است که ملاحظه میفرمایند بچه تربیت خوبی اداره شده و پیشرفت کرده. چه عیبی دارد در تمام شهرهای ایران هم بتطور مدارس هست که خود واقفین يك املاکی بر آن وقف کرده اند بر تمام در این مدارس خود مدرسه محل در موقوفه دارد اینها را وزارت معارف بایست اداره کند مثل مدرسه سیهسالار منتهی اگر کافی نیست پنج مدرسه پنج موقوفه را بردارند و يك مدرسه حسابی درست و اداره کنند. چون همه وقف بر تمام و تربیت است. از این جهت اگر بودجه کافی نیست چهار مدرسه پنج مدرسه را عواید موقوفه اش را بردارند و بصرف یکی دو سه تا برسانند. مثل مدرسه سیهسالار که ملاحظه فرمایید چقدر خوب اداره شده است. یکی هم موقوفه راجع بمریضخانهها است. دولت که صحیه دارد و بودجه دارد. اشخاصی که آمده اند و املاکی را وقف کرده اند بمریضخانهها در صورتیکه می بیند دارد از بین میرود چه ضرر دارد که دولت آن مریضخانهها را هم در تحت نظر توجه بگیرد و اداره کند در اینصورت علی حسب مقرره الواقف هم عمل کرده. حالاً هم عمل می کند منتهی مایکوتیم که بکنند هم نوز آن تجاوز کند. ولی عجالتاً عرض کردم این دو ماده که در قانون سابق بود و باشکالانی رخورده آمده اند برای تشریح و تخریح کردنشان این لایحه را آوردند. لکن بنده در اینجا سه مطالب دارم و خواهش دارم از آقای کفیل که توجه کند و جواب بدهند. عرض کنم در قانون سابق و در قانون مدنی مادو جور املاك داشتیم: یا معلوم التولیه بود یا مجهول التولیه شق ناک ندارد. زهدی آمده ملکی را وقف کرده و گفته پسر من یا اخذ من نقل بعد نقل متولی هستند این متعوض - التولیه است و اگر هم متولی معینی ندارد که مجهول التولیه است. مجهول التولیه در مقابل متعوض التولیه است يك اموال وقتی است که وقتی متعوض متعوض است و سلسله متولی

هم تعیین شده که معلوم التولیه است و بلك اموال وقفی است که وقتیت آن محرز است لکن متولی ندارد و مجهول التولیه است اوقاف مجهول التولیه را قانون سابق و لاحق در نظر گرفته که اداره اوقاف باید اداره کند. ولی حالا در این قانون آمده اند و بلك شق ثالثی هم در نظر گرفته اند و آن متعدی است. بنده عرض میکنم اگر متعدی در کار باشد دیگر مجهول التولیه از میان می رود زیرا هیچ ملکی نیست که وسط میان اذانه باشد بدون اینکه کسی متعدی آن باشد البته يك کسی متعدی آن هست پس مجهول التولیه دیگر عنوان ندارد و اصلاً موضوع پیدا نمیکند بجهت اینکه اگر منصوص التولیه است که آنها معلماً متولی دارند و اداره اوقاف نظارت میکند پس مجهول التولیه آن املاکی هستند که متولی منصوص نداشته باشد. شما حالا آمده اید و شق ثالث قائل شده اید «متعدی» و گفته اید املاکی که متعدی نداشته باشد. در این صورت دیگر املاک مجهول التولیه وجود پیدا نمیکند بجهت اینکه هر موقوفه قهراً يك متعدی دارد. بعقیده بنده اگر دولت یکم چه نظری هم دارد و می خواهد باشد بنده موافق ولی لغزش را از قانون بردارد زیرا نباید لفظ جعل کرد برای چیزی که موضوع خارجی ندارد. پس اگر منظور است خود اداره اوقاف و موقوفه را واگذار بخود آن شخص بکند لکن این لفظ را نباید در قانون نوشت بنده ظنم یکی این بود و پیش از اینکه این لایحه بمجلس بیاید بنده این تذکرها دادم که با متعدی مخالفم زیرا وقتی ما متعدی قائل شدیم دیگر مجهول التولیه معنی ندارد. موضوع دوم که لازم دانستم عرض برسانم چون در قانون سابق در ماده ششم نسبت پنجم مینویسد: اهتمام در صرف منافع موقوفاتی که مصرف معین ندارد و باید در مطلق بریات صرف شود در مصارف تعلیمات و فواید عمومی این ماده قانون سابق است. اینجا در ماده که راجع بنظامنامه نوشته شده مینویسد تکلیف موقوفات مجهول التولیه را نظامنامه معین میکند. بنده عرض میکنم وقتی که ما در قانون نوشته ایم و تکلیفش معین شده و تصریح شده در قانون

که موقوفاتی که مجهول التصرف است یا منتظر التصرف است یا منتصر التصرف است (این چند قسم میشود عرض کرد) اینها صرف تعلیمات عمومی و فواید عمومی میشود آنوقت ما در اینجا اختیار بدهیم به نظامنامه این بنظر بنده موجب ندارد و زائد است موضوع سوم که میخواستم عرض برسانم بودجه اداره اوقاف است. اداره اوقاف در مرکز بودجه دارد لکن میدانم در ولایات بودجه برای اداره اوقاف معین نشده بنظر بنده خرابی که در اوقاف ولایات هست برای همین موضوع است که بکفر رئیس اوقاف و رئیس تحقیق که میرفت با طرف حقوق نداشت. در بودجه حقوقی برای اعضاء اداری نبود این بود که آنها در ولایات هر جا مالك وقفی بود با اینکه قانوناً حق نداشتند بکپولهائی میگرفتند بعضی جاها را هم صورت نمیدادند (افسر - چند سال است که صورت هم نمیدهند) بقول آقای افسر صورت هم بداره اوقاف نمیدادند و اگر فرضاً اعتراض میشد میگفتند آقا بودجه نداریم يك آیدی البته مجانی نمیتواند کار کند. میخواستم از آقای کفیل سؤال کنم که آیا برای آنها بودجه در نظر گرفته شده که سال آتی در بودجه کل يك بودجه برای اداره موقوفات بنویسند و حق نظاره که در اینجا معین کرده اند از آن محل بودجه اداره اوقاف داده میشود این باید معلوم شود چون يك حق نظاره معین شده که از متولیان اوقاف بگیرند حالا بنده نمیدانم که از همین حق نظاره باید بودجه اداره اوقاف را تنظیم کرد یا از بودجه کل مملکتی این داده میشود و این حق نظاره صرف تعمیر بقاع و امثال اینها که در قانون نوشته شده میشود. اینهم باید معلوم شود. و بلك چیز خوبی که در این قانون دارد: ماده سابق را رؤسای اوقاف خیلی کش داده بودند. ماده ششم مفادش این بود: « نظارت کلیه بر اعدال متولیان و نظار و تقشیش در وصول و اجدال عایدات اوقاف و مخالفت از حیف و میل اولیا و مباشرین وقف نسبت باعیان و منافع موقوفات و ندادن موجبات آبدی آنها ». اینها حبس را ولو حبس موقت هم بود جزو این آورده بودند مثلاً يك کسی پنج سال هفت سال ملكی را حبس کرده بود این را هم آورده بودند جزو

این ماده یکی هم مسئله نکت باقی. مخصوصاً آقای طهرانی خوب مسیوقند چون مدنی آنجا تشریف داشتند مردی برده و گفته نکت مالشرا بدهند بفقرا و سادات بافانان عمل برسد. این نکت مال را هم آورده اند جزو ایضاده ولی اینجا یکی از چیزهای خوبی که در نظر گرفته اند این است که آنهایی که کمتر از یک سال است استثناء کرده اند که اصلاً حق نظارت هم نداشته باشند یکی هم وقف خاصه که گفته اند مستثنی است و این حرف حسابی است زیرا کسی که ملكی را وقف کرده بر اولادش دیگر به اداره اوقاف مربوط نیست ولی در آنها که وقف عامه است اداره اوقاف باید نظارت کامل داشته باشد باز بنده تذکر میدهم که انشاء الله امیدواریم روزی را به بینیم که لایحه اوقاف را بمجلس آورده اند. این بعقیده بنده لایحه اوقاف نیست بلکه تشریح همان قانون سابق است چند نفر از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - بنا بر معتقد بنده حضرت آقای دکتر طاهری مذاکرات غیر کافی است. چرا؟ برای اینکه ما تجربه کاملی داریم که در مجلس شورای ملی هر قدر در کلیات اوابح بیشتر مذاکره شود مطلب بخته تر شده و نتیجه عالی بدست ما خواهد داد. آنچه که من تا بحال بخاطر دارم سه چهار بار این مذاکره بمجلس آمده و در اطراف این معنی مذاکرات له و علیه زیاد شده و غالباً بطوری که آقای دکتر طاهری فرمودند جانبین افراط و تفریط قضیه گرفته شده و آنقدر شدت کرد که يك نتیجه ملایم و معقولی از آن بدست نیامد حالا هم بطوری که ملاحظه فرمودید از ابتدای این جلسه تا بحال غالب مذاکرات کم و بیش از این قبیل بوده است. و بنده ناچار شدم در کلیات این لایحه یکی دو اصل را که در نظر است تذکر بدهم و راجع بجزئیاتش هم بعد صحبت بدارم مسئله اوقاف و عرایضی که راجع باملاک موقوفه در ایران موجود است هر آدم اصلاح طلبی را وادار میکند که راجع باین موضوع صحبتی بکند چرا؟ برای اینکه می بیند املاک

موقوفه زیاد است و بلك اشخاصی وقف کرده اند که صرف خیرات شود. چون میدان میدان خیرات و انسان وارد میشود که در این زمینه صحبت کنند. لکن باین غفلت کرد از اصل اولیه که او مقدم تر است و آن این است که اولاً باید در نظر گرفت و آن چیست. وقف عبارتست از این که مردی مرده و بلك اموالی داشته که در ایام زندگی خودش صرف نکرده و خواسته بعد از خودش در بلك راههای خوبی صرف شود و بگوید من میخواهم بعد از من عواید مال من در فلان راه خیر مصرف شود در این دو مرتبه که این لایحه مطرح شده و در مجلس بخاطر است که بعضی آقایان نظر دارند صرف مرخصخانه شود ببار آخری در این دوره که ما واقعیم چیز مستحسن شده حمایت از مرخصخانه ما میکنیم تمام این مردمی که در این هزار و سیصد سال وقف کرده اند برای هر مصرفی که هست فهمیده اند - آنها را دور بیندازیم و صرف بکنیم در مرخصخانه. ولی ما میبیم همیشه که زنده نهیم ایم. بلك آقایان دیگری بعد میآیند و به دل خیلی عجل دارند و میگویند تمام آن مردمی که به صرف مرخصخانه رأی داده اند در فلان دوره فهمیده اند. خوب است تمام عواید را بگیریم و دل بسازیم. ده تا صد تا سیصد تا دل بسازیم. خوب آنها هم که باقی نمیدانند هر دوره يك چیزی مستحسن میشود برای عموم. همیشه هم که مردم نمی مانند اگر بنا شود که هر زنده وقتی يك اراده میکند تمام مرده ها را محکوم اراده خودش کنند و بگویند همه خالق الله بیخود کرده اند این معنی خوب نیست در مملکت. مردم مادام که زنده هستند مالك مالك خودشان هستند و هر چه دارند مال خودشان است و بیشتر باید مالکیت مرده را احترام کنیم برای اینکه این آدم زنده نیست که از نیشش دفاع کنند بلکه میخواهم برای مرخصخانه صرف کنم يك قدری قبیلی خوب پوشم عباي خوب پوشم غذای خوب بخورم و عواید خودم را اختصاص بمرخصخانه بدهم. (افسر - مثل آقای دیر سهراب ...) الان عرض میکنم تامل فرمائید. ولی اینکه بگم مرتبه این خیالمان

شود که هرچه تا امروز وقف کرده اند برای مملکت بس است و دیگر کسی مالی وقف نکند این کار بد را نیابد مرتکب شد بیک وقت این جور است. بکوفت میگوئیم نه این کاری که از هزار سال قبل باین طرف شروع شده بسیار کار خوبی است و ما باید کاری بکنیم که از امروز تا وقتی که این مملکت باقی است همیشه این کار خوب را مردم بکنند. اگر این نظر دوم را ما اراده داریم و این را بیک عمل مستحسن میدانیم باید موجدانی را فراهم کنیم که این امر زیاد بشود و ابتقدر دخالت در اموال مردم نکنیم. آن قضیه که آقای احتشام زاده فرمودند بنده هم شنیده بودم ولی بعد که مراجعه و تحقیق کردم معلوم شد که اولاً بکلی دروغ بود و ثانیاً و تفتیش کردم اصل وقف نامه را خواندم دیدم این هو است. حالا این هو را روی چه نظری و چه کس بلند کرده میدانم. فرسأ هم که باشد اینگونه وقفها این قدر شاذ و نادر است که بقول آقای افرنیاید ما قانون را تغییر بدیم و مردم را از اقبال بامر خیر باز داریم. پیربروز در همین وزارت عدلیه آقای میرزاسید محمد قمی رفت (رئیس شعبه سوم دیوانعالی تهریز) و تمام مالش را وقف کرد برای مریضخانه معصومه قم (ع) هنوز بیک هفته نشده است که آقای دبیر سهرابی که الآن حاضرند در مجلس دوست و پنجاه هزار تومان از مالیه خودش را وقف کرد برای مصرف مریضخانه آستانه مقدس رضوی. ما باید کاری بکنیم که خلق همینطور باین امر خیر اقبال بکنند نه اینکه پشت کرسی بیاییم بگوئیم درست است وقف شده برای فقرا و ضعفا که پوستین تهیه کنند برای این مردم بیچاره ولی اینها را دور بیندازند برای اینکه بنده امروز اراده ام این است که چراغ برق بکشند برای فلان جا. این کار خوب است ولی بهتر این است که ما خودمان این کار را بکنیم و برای هرچه میل داریم وقف کنیم و بقیه من نیاید دخالت کنیم در مال مردم. و مالکین را باید محترم شمرد. آقای احتشام زاده و آقای دکتر مهدیخان ملک زاده توجه کنید بنده عرض میکنم برای آن نظر شما هم وقف

است این را تبدیل نکنید (صحیح است) این را بچسبید و محکم نگاه دارید و الله بالله نالله سلاح مالک و خودتان است که مردم تشویق بشوند مطالب دیگر این است که آقای مؤید احمدی راجع به متصدی در مقابل مجهول التولیه و منصوص التولیه بیاناتی فرمودند من بیک مثل میزنم که خودشان قانع شوند مجبوریم گاهی مثل بزنیم مثل برای تقریب ذهن است برای این که ذهن آقایان نزدیک شود به مطالب. من موقوفاتی سراغ دارم در محله سنگلج که دست پدر آقا سید صادق مرحوم بوده است پسر بر پسر همینطور بوده حالا دست آقا میرزا ابوالقاسم است که وقف مدرسه میرزا زکی است صد و بیست سال است که این مدرسه را بخوبی اداره میکنند بقیه هم متولی جد اینها بوده بواسطه اتفاقات و اختلافات و قفنامه کم شده است درست است که متولی معین نیستند اما این میرزا ابوالقاسم واجداد او که صد و بیست سال است امتحان داده اند بقدر ثبات اداره اوقاف نیست که اداره اوقاف او را متصدی بشناسد پس این اسم متصدی را هم اینجا بگذارید که دست اداره اوقاف باز باشد که اگر جائی برخورد کرد به متصدی که این متصدی صد سال است صد و پنجاه سال است درست سال است باعانت خودش و آبائش بیک عملی را اداره کرده اند دیگر امروز موجب ندارد که اداره اوقاف این موقوفه را از دست او بگیرد اداره اوقاف که با مردم غرض ندارد هر کس بهتر اداره کرد اداره اوقاف موقوفه را به او میسپرد و حساب ازش میگیرد کتاب ازش میگیرد و بعلاوه شما دست اداره اوقاف را باز گذارده اید که ممکن است او را ابقاء کند یعنی اگر دید بد است او را ابقاء نمیکنند شما برای متولی هم پیش بینی کرده اید که اگر متولی ثابت بود و خطا و خیانتی کرد همینطور که در ولی اجباری که ولی تهری بود پیربروز در لایحه که تصویب شد بوزارت عدلیه اختیار داده شد که ضم امین بکنند و اختیار ضم امین باو دادند این جا هم به وزارت معارف اختیار داده شده است که متولی منصوص هم اگر خیانت

کرد ضم امین بکنند به متصدی هم ضم امین میکنند پس بگذارید این لفظ آقای مؤید احمدی در قانون باشد برای خاطر اینکه دست و پیل اداره اوقاف بیک قدری باز باشد که بتواند جمع آوری کند اما راجع باداره ولایات آنرا هم بنده خبر دارم که در تمام ولایات ادارات اوقاف امروز افرادی دارای بودجه هستند و دارای حقوق هستند اگر در بیک زمانی در احکام میروشند عوض حقوق که خدا را حاضر و ناظر بدانند در احکام نمی نویسند و ماهی شصت تومان پنجاه تومان حقوق معین میکنند و به آن متصدی اوقاف میدهند این هم مسلم است و خاطر شریفان مستحضر باشد بعد هم در مواد عرایضی دارم در موقع خود عرض میکنم این راجع به کالیات بود.

رئیس - آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. آذینیکه بورود در مواد موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود:

ماده ۱ - اداره کردن موقوفاتی که متولی ندارد یا مجهول التولیه است با وزارت معارف و اوقاف است و در صورتیکه متصدی داشته باشد ممکن است وزارت مزبوره در دست او ابقاء نماید

تفسیر - مقصود از مجهول التولیه آن است که متولی شخص معین یا اشخاص و یا بر حسب اوصاف که بالاخره متعلق با شخص معین میشود معلوم نباشد.

رئیس - آقای دکتر ملک زاده.

دکتر ملک زاده - بنده اولاً خیل متأسفم که بکفتری سوء تفسیر در اطراف اظهاراتی که میشود میکنند و خوب است آقایانی که میخواهند صحبتی بکنند و جوابی بدهند گوش بدهند به بیفتند چه صحبتی شده است چه بوده است و جواب را مطابق همان مطالب گفته شده بدهند قبلاً هم

بنده میدانستم و بقین داشتم که موضوع اوقاف هر وقت در مجلس مطرح شود یکی از مسائلی است که به دو عقیده متضاد و دو عقیده مخالف بر میخورد این بود که عقیده خودم را بنده اول سراً عرض کردم و بعد هم ادله که در مقابل داشتم عرض کردم میفرمائید که بقدر کفایت برای تمهین معارف و صحبه عمومی اوقاف هست و میشود نظر اشخاصی که یکی هم بنده هستم تأمین شود بنده سؤال میکنم از آقایان که بیست سال است که ما اداره اوقاف داریم چرا يك مدرسه یا يك مریض خانه در این مدت از این محل درست نشده حتی بودجه اداره اوقاف را هم وزارت اوقاف از بودجه عمومی می داد بطوری که يك وقت هم در مجلس این مذاکره شد که چرا باید بودجه اوقاف را از عوائد عمومی بدهند در صورتیکه اوقاف باید يك ککلی هم به معارف بکنند این مقصود که بکلی از بین رفت يك مبلغی هم برای بودجه اوقاف از بودجه معارف تخصیص داده شد و بنده گمان میکنم که اگر بخوایم بنظر موقوفه خور ها راه برویم باید نصف مالیه مملکت را هم بآنها بدهیم تازه آقایان راضی نمیشوند بنده اصلاً اداره اوقاف را با صورت فعلی از نقطه نظر اخلاق جامعه مضر میدانم و این عقیده خودم را سراً عرض میکنم میخواهد کسی قبول کند میخواهد نکند معارف را میگذاریم کنار صحبه را میگذاریم کنار از نقطه نظر اخلاق جامعه از نقطه نظر اخلاق عمومی این وضع موقوفه را بنده مضر میدانم بنده در يك محل از عملات اسفهان سکتی داشتم محله نو تمام اهل این محله سادات هستند يك شخصی رئیسشان است يك مقداری موقوفات در دست این شخص است وقتیکه میکند بهر خانواده دو خروار گندم ده تومان پول بیست تومان پول میدهد این مردم این رجال این اشخاصی که رجال آتیه مملکت باید بشوند بکلی دست از سعی و عمل و دست از تحصیل دست از همه چیز کشیده اند و تمام کارشان این است که این دو خروار گندم را بگیرند و گذران کنند صبح که میشد اینها ردیف میرفتند زیر دراز چه می نشستند تا ظهر و صبحی هم که میکردند از یکدیگر

میپرسیدند که دیشب چه خورده بروید تحقیق کتبدان رویه آقا برای جامعه مضر است ما هم گفتیم که وزارت معارف باید يك لایحه جامعی برای اوقاف تهیه کند که بتواند کاملاً نظارت کند در امور اوقاف و این آثار ملی ما مسجد شاه اسفهان که انتخاب مملکت است ساخته شود و خراب نشود و موقوفاتی را اشخاص نبرند آقا ما کفر گفتیم؟! ما که غیر از این نگفتیم همان چیزی که گرفته میشود خرج يك مدرسه بشود خرج يك مریضخانه بشود که بگویند ما این را از محل اوقاف درست کردیم ما اگر گفتیم که تمام این محل را خرج مدرسه بکنید اگر گفتیم که پوستین ندهید به فقیر آوقت بفرمائید که بر خلاف نظر واقف است ما نظرم آن این است که عوائد اوقاف در محل صحیح خرج شود و ما طرفدار این هستیم که این مقصود تأمین شود و هر طوری که میتواند دولت میخواهد این مقصود را تأمین کند.

کفیل وزارت معارف - از ۱۳۲۸ قمری تا حالا مدت خیلی مدیدی میگذرد که موضوع اوقاف در این مملکت مطرح است و بودجه و نواقص اوقاف مورد توجه وزارت معارف و هیئت دولت و مجلس بوده است و علت این که بالاخره بيك نتیجه عملی نرسیده است و يك کاری نشده است در اوقاف صرفاً عبارات از این بوده است که يك تباین کلی ما بین عقاید در طرز اداره اوقاف بوده است تعبیری از افرات و تفریط شد ولی بنده آن تعبیر را نمیکنم بعضی معتقد بودند که بایستی تمام اوقاف را توقیف کرد و مصرف کرد و بيك مصارفی رساند بعضی معتقد بودند که باید به همین حالی که هست بماند و در نتیجه این کشمکش بین این دو عقیده که طرفدارانش هم هر دو ادله قوی داشتند اداره اوقاف مانده بود بین دو عقیده و مثل مجنون و شترش هوی ناقتی خلفی و قدأمی الهوی از طرفی تو میکشی و از طرفی سالام در نتیجه کار اوقاف اینطور ماند و حالا نظر دولت این است که هر گونه اقدام میشود در اوقاف قدم به قدم پیش برود و اصافاً قانون ۲۸ شعبان که این جا ماده ۵ و ۶ آن تذکر داده شده است تا درجه کامل است و نظر آقایان را تأمین میکند

منتهی طرز اداره اوقاف طوری بود که وزارت معارف و اوقاف موفق نمیشد عمل کند و برای این که رعایت اصول بتدریج شده باشد و ما بطرف تکامل پیش برویم این لایحه تنظیم شد و البته آقایان باید ملاحظه کنند همین گفتن این که خود دولت اداره کند این کار آسانی نیست ملاحظه فرموده ام در بسیاری از موارد که یکی از آنها خاصجات است و دولت اداره کرده است متوجه شده است که خوب نمیتواند اداره کند و هم چنین ملاحظه فرمائید تماس مأمورین دولت را با مردم باید کمتر کرد در همان مدتی که اشاره شد که اداره اوقاف مأمورینی داشت در خارج و حقوق بآنها نمیداد تا چه حدی اسباب مزاحمت مردم فراهم میشد و بالاخره بایستی رعایت آن کسانی را هم کرد که آیه آنها يك ذخیره برایشان گذاشته اند و نباید بکلی رشته آنها را قطع کرد از طرف دیگر باید البته ذخیره آبا و اجدادی خودمان را هم منظور که آقایان گفتند و همان طور که واقف گفته است به مصارف خودش برسد و يك قسمت که مجهول اله صرف است عوائد آنها را و حق النظاره که اداره اوقاف میگیرد همانطور که قانون گفته است صرف تعالیم عمومی و معارف عمومی که شامل همه چیز میشود خواهیم کرد بشا بر این بنده عقیده ام این است که طرفین موافقت فرمایند روی این قانون که به مجلس تقدیم شده است ما اقدام میکنیم بعدها هم البته اشخاصی خواهند بود و دیگران میآیند و نواقص را رفع میکنند (دیگران در شکم مادر پوشش پندند) و انشاء الله بيك مطلب اساسی میرسیم (صحیح است)

رئیس - آقای طهرانی
طهرانی - عرض کنم مطالب گفته شد بنده حرف زیادی ندارم فقط يك سابقه که خودم در اداره اوقاف دارم میخواهم عرض کنم که این جا در ماده يك حتی بنده معتقدم که این کلمه ممکن است را هم از این جا برداریم و راجع به تصدی يك عبارت دیگر بگذارید که اگر امین شد اساساً حق نداشته باشد وزارت معارف او را بردارد برای این که تصدی وقتی امین شد چرا او را

بردارند برای اینکه ما می بینیم که يك تصدی که بطور امانت و درستی يك موقوفه را اداره میکند و يك فوائدی در سال از آن جا میبرد اگر آن فوائدی را که در سال آن تصدی از آن جا میبرد پنج برابر آنرا بيك مأمور وزارت معارف بدهیم تازه نمیتواند مثل آن تصدی عمل کند بر فرض مثل آن تصدی هم عمل کرد چقدر باید باو حقوق بدهیم فرضاً يك تصدی يك عشر میبرد و خیلی هم خوب عمل میکند عین این کار را اگر ما به مأمور اوقاف بدهیم اگر پنج عشر هم باو بدهیم نمی تواند مثل آن تصدی عمل کند با فرض که بتواند با کمتر از پنج عشر عمل آن تصدی را نمیتواند انجام بدهد بشا بر این بنده با آن سابقه که دارم عرض میکنم که آقای کفیل وزارت معارف در آن نظامنامه که وعده فرمودند تنظیم میشود البته با نظر آقایان هم خواهد بود این نکته را رعایت کنند که حتی الامکان مردم را تصدی اوقاف نکنند نه اعضاء ادارات وزارت معارف و اوقاف را برای این که مردم میخواهند زندگی بکنند بيك کسی تصدی است مباشرت دارد گناه نکرده است طالبه علوم دینی است اگر میتواند تصدی کند موقوفه را و بيك عوائدی را بردارد و قناعت کند بيك عشر چه عیبی دارد که این را بتوان تصدی برقرار کنند؟ بنده نظرم این بود که آقای کفیل وزارت معارف این نکات را در نظر بگیرند چون خودشان هم سابقه دارند در وزارت معارف و از اوقاف مسیوق هستند این نکته رعایت شود که کار حتی الامکان بدست مأمورین اوقاف داده نشود خود مردم بکنند البته صحیح هم میکنند این یکی یکی هم در مسئله نظارت که يك مسئله خیلی مهمی است چه در این قانون و چه در قانون ۲۸ شعبان پیش بینی شده است ولی این نظارت (چون بنده خودم در عمل بوده ام میدانم) غیر از طهران در سایر ایالات و ولایات و سایر نقاط از این نظارت مأمورین اوقاف خیلی سوء استفاده میکردند هر صورت حساب هر ترتیبی که آن بیچاره متولی یا تصدی تقدیم میکرد با اداره اوقاف خوب هم عمل کرده بود بنده خیلی روشن عرض میکنم

مانعی ندارد اگر منافعی داشته برای متعدی اوقاف و او اینکه
منافع رایج عمل خودش هم صرف نکرده بود و حیف و میل هم شده
بود صورت حساب تصدیق میشد ولی اگر نامین منافع نشده
بود متولی خان بود و دزد بود و مصرف صحیح نکرده
بود باید برود از روضه خان نوشته بیاورد که روضه
خوانده نوشته بیاورد از کسی که پلو خورده آنجا باید
نوشته بیاورد که شب بیست و هفتم رجب آنجا همسین
بوده و پلو خورده ام و اگر بنائی کرده باید برود از
بنا و عمله یکی یکی تصدیق بگیرد (این را خلاف عرض
نمیکنم) و صورت بیاورد که در آنجا عملی کرده است
و چند نفر هم شهادت بدهند و تصدیق بکنند و امضاء
کنند و در نظارت چون بهم بود اینطور اشکال تراشیاها
میشد بنده نظرم این بود حالا که آقای کفیل وزارت
معارف با اخلاعاتی که راجع باوضاع اوقاف دارند و این
لایحه را آورده اند برای تکمیل قانون سابق این نکات
را در نظامنامه رعایت بکنند که ترتیب نظارت هم ظوری
باشد که واقعا این عیادت به مصرف خودش برسد نه این
که اسباب زحمت مردم بشوند و معین شود که بک صورت
حسابی که می آورند به چه ترتیب باشد و بک ثقاتی آراء امضاء
کرده باشند که قابل اعتماد باشند البته در هر محل چند
نفر اشخاص قابل اعتماد هستند دیگر اداره اوقاف در
محل اشکال تراشی نکند و مردم را در زحمت نیندازند.
دیگر نکته که بنده میخواستم آقایان را متوجه کنم
این است که خیلی ما اشتباه میکنیم و خیلی زیاد روی
کردیم و بقیه پاره کردیم آنقدرها که ما تصور میکنیم
عوائد اوقاف نیست که این آرزو هائی که ما کردیم
عالی شود مریضخانه بسازند معارف عمومی بکنند (روحی -
اشتباه است) جنبه مالی نبودید بنده بودم بنده حاشرم
به شما احسانه نشان بدهم برویم به بینیم دوسیه ها
حاضر است عوائد اوقاف تمام ایالات و ولایات را به
شما نشان میدهم که آنقدرها نیست عیناً مثل وقف نامه
مدرسه سیهسالار است با عوائدی که دارد ما اگر عوائد
مدرسه سیهسالار را باز کنیم با مخارجی که مرحوم

سیهسالار درست کرده است شاید این عوائد به دوسه
فقره منظور هم نرسد و بقیه اش معطل میماند برای
این که موقعی که این وقف را کرده است بک مخارجی
برای آن چاهمین کرده است که زندگانی خیلی آروا تر از
امروز بود و شاید آنوقت بک عائله با ماهی چهار تومان
پنج تومان میشد اداره شود و زندگانی کنند ولی با
مخارج و وضعیت امروز این آمل تمام آملی است که
باید بماند و هیچ قبل اجرا و عمل نیست و هیچ ممکن
الاجراء نیست و بعلاوه بک نکته دیگر هم این است که
اکثر موقوفات عسارت از ملک است که آفت دارد
خرابی دارد خود مالکین که ملک دارند میدانند که ملک
بک سال عایدی دارد پنج سال خرابی دارد که این
معمولی را که بر میدارند به مخارجی نمیرسد این مسئله
عمدتاً در املاک شخصی هست در املاک وقف هم
هست این نظریاتی بود که بنده داشتم و عرض کردم و
منظورم تذکر به آقای کفیل وزارت معارف بود که در
آن نظامنامه که تنظیم میشود در نظر داشته باشند که در
قسمت نظارت این اتمام برداشته شود که سوء استفاده
نکنند و یکی هم در تعدی که آن اختیار را بردارند اگر
شخص امینی است آن (ممکن است) هم برداشته شود
اگر متعدی امینی است وزارت اوقاف دلیل ندارد که
متعدی را بردارد و اختیاری برای خودش قائل شود
بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
دکتر سنک (مخبر) - بنده خواستم عرض کنم هر
لایحه که به مجلس می آید باید البته اظهار نظر کنند
آقایان عقاید خودشان را اظهار بکنند و پیشنهاد بدهند
و چون شور اول است پیشنهادات می آید به کمیسیون
و در کمیسیون نظریات معلوم میشود چون بنده نمیدانم
که نظریاتی که آقایان دارند چیست و در کمیسیون آقایان
اعضاء کمیسیون چه نظریاتی دارند و اخلاص ندارم از نظر
کمیسیون که به بینیم راجع به ممکن است یا کلمه دیگر
چه نظری دارند که به بینیم رعایت چه نظری را بکنیم در نظارت
چه نظری دارند آقایان هر نظری که دارند پیشنهاد بفرمایند

ولی خواستم به آقای طهرانی تذکر بدهم که این کلمه
ممکن است جمع بین دو نظر را آورده است بک نظر
آقایان که مخالفت با این متعدی مثل آقای مؤبد احمدی
که میفرمایند اصلاً لازم نیست یکی نظر حضرت عالی که
میفرمایند متعدی لازم است و باید بدون قید باقی باشد
و این لفظ ممکن است البته دست و پوی وزارت معارف
را باز بگذارد وقتی که بکنفر متعدی را می بیند که
مطابق وجدان رفتار کرده است و بخوبی میتواند وقف
را اداره کند این را ابقاء میکنند و اگر دیدند خائن
است و صلاحیت ندارد بر میدارند بنا بر این بنده عقیده ام
این است که موافقت بفرمایند آقا که ممکن است باشد و
الایستهاد بفرمایند می آیند در کمیسیون هر طوری که
کمیسیون در نظر گرفت در لایحه گذارده میشود. راجع
به نظارت هم که فرمودند در نظامنامه البته مراعات میشود
بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

میرزا آبی - بنده مخالف با کفایت مذاکرات.

رئیس - فقط دلیل کافی نبودن را بفرمایید.

میرزا آبی - در فرمایشات بعضی از آقایان قدری تهمت
بود که بک عده بر می خورد و تهمت باشخاص است که
بک قسمتش مربوط به خود بنده است اجازه میفرمایید
عرض کنم.

رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - معارف میشود کافی نیست. اما توبه آقا نیست.
آقای مؤبد احمدی.

مؤبد احمدی - عرض کنم گویا در عرایض بنده آقای
اورنگ بک سوء تفاهمی فرمودند (اورنگ - خیر) بعلمت
این که مثالی فرمودند که متعلق با موضوع فرمودند
فلان مدرسه را فلان آدم متولی بوده حالا هم در دست
اولادش است البته باید باشد بنده خلاف این را عرض
نکردم وقتی که وقف نفعه نباشد استمرار و شهرت در وقف
کافی است وقتی که مستمر شد بک وقتی در دست بک متولی

اگر وقف نامه هم در بین نباشد استمرار در وقف چیست
است این یکی. ثانی بر این بنده مخالف نیستم با متعدی
با در قانون نوشتن آن مخالفم ممکن است در آن نظامنامه
که وزارت معارف مینویسد بک ماده بنویسند که تصدیقاتی
که تا بحال خوب رفتار کرده اند دست آنها باشد من
مخالف نیستم بنده عرض میکنم مجهول التولیه و منصوص -
التولیه با متعدی مخالف است فکر بکنید درست یا
مجهول التولیه است یا معلوم التولیه اگر معلوم التولیه
است که متولی دارد و اگر مجهول التولیه است بنویسند
که اداره اوقاف اداره کند ممکن است در این قسمت هم
در نظامنامه معین شود که وزارت معارف و اوقاف و اگذار
کند همان متعدی بهر کسی که از عهده اداره موقوفه بر آید.
این است نظر بنده که پیشنهادی هم کرده ام می آید در
کمیسیون آقایان در نظر بگیرند که بودن این که در قسمت
عیادت غلط است.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - بیانات پر حرارت نماینده محترم آقای
اورنگ بر بنده ثبت کرد که عرایض بنده را ایشان توجه
نکردند خوب بود اول اظهار لطف میفرمودند و عرایض
بنده را گوش بدهند (اورنگ - کاملاً گوش دادم) بنده
لازم میدانم که از آن عرایض خودم رفع سوء تفاهم بکنم
بنده عرض نکردم وزارت اوقاف مکلف است بیاید و تمام
مصارفی را که واقفین معین کرده اند بگذارد کنار و خودش
هر طور میخواهد رفتار کند بنده عرض کردم بعضی از
مصارف هست که باقتضای وقت واقف بک مصارفی برایش
معین کرده که امروز به موضوع ندارد یا مناسب نیست
یا واقفاً در اثر ترقی فکری جامعه بک امر لغوی است
مثال زدم عرض کردم یکی از آقایان بک موقوفه دارد که
عوائد آن باید صرف عزای عرب بشود مثلاً دیگری هم
میزنم که باز آقا تصدیق بفرمایند موردش زیاد است در
خیلی از نقاط مملکت ما آب خوراکی در سالهای قبل نداشتند
عده زیادی بک قسمت از املاک خودشان را برای ساختن
آب انبار وقف کرده اند اتفاقاً امروز آن نقاط قنوات

متعددی دارد که اصلاً ساختن آب انبار يك چیز لهوی است بنا بر این بنده عرض کردم که وزارت معارف يك توجه و مراقبتی بکنند نسبت به مصارفی که واقفین برای اوقاف معین کرده اند البته يك قسمت مصارف هست که البته خوب است و همانطوریکه آقا فرمودند بنده معتقدم که بهترین مصرف اوقاف مصارفی است که برای پوشانیدن برهنگان و فقرا بشود يك عده زیادی هستند که املاکشان را وقف میکنند که عوالمش را بدهند برای پوشانیدن یا زغال بخرند بدهند بفقرا این خیلی خوب است بنده نمیخواهم بگویم ندهند و بنده عرض میکنم اگر چنانچه ما از این محل ها هم عوایدی نداشته باشیم دولت باید از عواید عمومی يك مقداری صرف ابتکار بکند که اینکه میکند باز ایستادگی و دارالاساکین که هست برای این کار است بنا بر این متناقض ندارد وقتی يك موقوفه برای این کار است و مصرفش محل توجه است و مهم است ما بگوئیم خیر مصرف نکنند بلکه مطلب بنده این بود که يك مصارفی که امروز بنظر غیر لازم و لغو می آید آنها را بيك مصارفی صرف کنند که برای احبای نفوس مملکت ضرورت دارد مصرفخانه بسازند پس قبلاً خواستم این سوء تفاهم را رفع کرده باشم که تصور نفرمایند بکلی باید نظر واقف را دور انداخت خبر باید نظر واقف را رعایت کرد اما اگر يك جانی دولت تشخیص داد که واقف يك اشتباهی کرده است یا باقتضای زمان مصرفی را که معین کرده امروز دیگر ضرورت ندارد و مورد ندارد امروز باید آن آب انباری که مورد لزوم نیست ساخته شود بنده عرض میکنم که خیر باید ساخته نشود وظیفه دولت این است که امروزه این سرپرستی را بکند و بجای اینکه عواید يك موقوفه صرف يك چیز زائد لهوی میشود صرف کنند بيك مصرف لازمی و بیفایده من این بهتر تشویق میکند مردم را که کار خیر بکنند برای اینکه می بینند که دولت متوجه است که این عملی را که معین کرده اگر بکوفتی باقتضای زمان مناسب نیست تبدیل به مصرف دیگری میکند و بهتر میکند تبدیل اصل موقوفه را جایز دانسته است قانون مدنی چطور مصرفش را تبدیل

به احسن بکنند جایز نیست اما مسئله نظر واقف بمقتدای بنده این مسئله يك اصلاحه ایست برای جاوگیری از اصلاح اوقاف چرا برای اینکه تا بحال در حدود سی سال است از مشروطیت ایران بیگذرد این فکری که بنده امروز عرض میکنم البته آنروز هم يك عده داشتند و مواجعه می شدند با این حربه نظر واقف بنده عرض میکنم اگر شما بخواهید نظر واقف را اینطور تغییر بکنید اصلاً وزارت معارف حق دخالت ندارد در اغلب وقتها ما نمیتوانیم بموجب تشخیص متولی و نتیجه اش این میشود که يك ساله از موقوفات عوایدش بمصرف میرسد که آن متوایش میخواهد و آنوقت اگر خدای نخواست (البته همه متولیا اینطور نیستند) بيك متولی سوء نیت در کار داشت باید این عوالم صرف جوی و هوس او بشود در صورتیکه اینطور نیست و این وظیفه دولت است که در این قسمت ها نظارت کند و اعمال کند آن حقی را که اصولاً و طبیعتاً دولت نسبت بافراد بيك جامعه دارد بنا بر این بنده تصور میکنم که بنده عرض نکردم که موجب اینهمه حرارت از طرف نماینده محترم بشود حالا البته ممکن است این اختلاف نظر بین بنده و آقای اورنگ باشد بنده عقیده ام این است که در بيك مملکتی بيك دولتی که میخواهد بگردد من پیشوای اصلاحات هستم باید سعادت و اصلاحات را تحمیل بکنم ولو اینکه مردم دشمن نخواهد آقا خیلی از اصلاحات در این مملکت شد و مردم نمیخواستند مسئله اتحاد شکل لباس یکی از مسائلی بود که خیلی ها نمیخواستند ولی این سعادت تحمیل شد و خیلی هم خوشوقتیم که تحمیل شد این سعادت با خدمت نظام وظیفه عمومی یکی از مسائلی است که در مملکت شاید افراد کمتری میخواهند و ما دیدیم که این سعادت تحمیل شد و بده امیدوار هستم که بزودی ببینیم که این بيك سعادت هم بر مردم تحمیل شود و موقوفات ولو اینکه برخلاف نظر واقف باشد صرف بيك چیزهایی بشود که به مصلحت مملکت باشد

رئیس - آقای میرزائی توبه موافق است اگر موافقت فرمائید

میرزائی - این لایحه حقیقتاً بقدری بیفرضانه توبه

بنده که بنده تصور نمی کردم اینقدر صحبت در اطراف آن بشود و بنده از همین نقطه نظر قصد داشتم که شخصاً حرف بزنم ولی بعضی از آقایان بعنوان مخالف تشریف آورده اند پشت تریبون فقط اعتراض خودشان را بیان کردند یعنی بگفتند تهمت بپریم بیگناه و بيك تشکرانی هم از آقای کفیل وزارت معارف و دیگر هیچ نتیجه نداشت آقای دیبا تشریف آوردند اینجا و در ضمن بیان داشتند فرمودند که اشخاصی بودند دور حرم حضرت رضا (ع) میزدند و میخوردند و چه میکردند اگر خاطر آقایان باشد خود بنده در دوره پنجم پشت همین تریبون عرض کردم باینکه خدام دور حرم امام رضا (ع) هیچوقت تقصیر نداشتند و هیچوقت دخالت در امور آستانه نداشتند جز اینکه موظف بودند چاروب کنند و چراغ روشن کنند و باهیهانه دریافت دارند وظیفه دیگری نداشتند فقط دولتهای وقت همان اشخاصی که روزگار مملکت را به آن روزی انداختند که دیدید آستانه را هم مثل یکی از مؤسسات کردند که بحالت خرابی افتاد بود برای آن پولهای بیهودی که میکردند بیست و پنج هزار تومان میکردند و اجازه میدادند که بروند آنجا هر کاری بخواهند بکنند معنایش چه بود این بود که اجازه می دادند برای چاپیدن مردم اما حالا شخص اعلیحضرت پهلوی از چیب قوت خودشان حقوق میدهند و همینطور که در کلیه امور نظر دارند در کار های آستانه هم نظر دارند اگر خانی در خادمین آستانه باشد میفرمودند البته دست او را میکردند بیرون میکردند بنده یکی از آن اشخاص هستم که سوت چاکری و افتخار چاکری آستانه را دارم و امروز هم قطار شما هستم برای سابقه خدمت تصدیق نیست تولیت که در دفتر مخصوص شاهنشاهی الآن ثبت است و در آرشیو تولیتی هست خدمتانی که تا امروز شده است بيك قسمت همیش را بنده عمده دارم در این مدت تمایش را نیابت تولیت حسب الامر مبارک اعلیحضرت دقت داشتند که اگر رقیبه را اشخاصی حیف و میل کردم اند از آنها دریافت دارند آقای فضل لعلك اینجا تشریف دارند و وکیل آستانه هستند کدام بيك رقیبه

تا کنون فهمیده شده و کشف شده که یکی از خدام حضرت برده اند و بر علیه آنها اقدام کرده اند هیچ بيك همچو چیزی نبود است و علت ندارد بر علیه بيك عده بی گناه حرف بزنید و اما این لایحه خیلی خوب لایحه بود بقدری خوب که بنده هم میل داشتم که از آقای کفیل محترم معارف تشکر کنم ولی این حق را حقاً نمیتوانم داشته باشم فقط عرض میکنم که شخص با عاداتی هستند که این قبیل لوابیح مفید وزارت معارف و اوقاف بدست ایشان به مجلس می آید اینکه عرض کردم این حق را نمیتوانم داشته باشم مقتضی است که شرح بدهم تا ذهن آقایان مشوش نشود بنده عرض میکنم آنها کسی که مقتضی است و تمام ملت ایران همه وقت وظیفه دار است شکر گزار باشد فقط وجود مبارک شاهنشاه معظم است زیرا اینهمه آوازه ها از شه بود اگر می بینیم یکی از آقایان وزرا جدا جدا لوابیح خوب و مفیدی بجل ملت و مملکت میدهند مجلس می آورند و کارهای خوبی در مملکت صورت میگیرد همه میدانیم که اثر فکر و اراده بيك شخص است و همین وزرای کار آگاه را هم فکر روشن شاهنشاه معظم با پیدا نمودن و انتخاب می فرمایند ملت ایران بجهاد الله امروزه همه چیز خوب دارد باید بدانیم و میدانیم که هر چه داریم از ایشان داریم زیرا تا چند سال قبل هم همین مملکت و همین ملت بود خدایین مملکت امروز هم آن روز بودند و یقیناً میل داشتند که خدمت بدهند بملت بکنند چطور بود که خدمت نمایانی از کسی ظاهر نمیشد پوشیدم نیست که کلیه اصلاحات مملکت آنچه که شده و میشود هر کس هر چه میکند تمام از اثر فکر توانی بندگان اعلیحضرت اقدس پهلوی از اجتناب اقدام استوار پس بنده هم از این مقدمه مطالبی است که بر من میرسد والا عراضی که شد بر هیچ فردی از افراد پوشیدم نیست بهر حال آقای کفیل محترم وزارت معارف هم می رسانم که بنده هم مقدمه اگر موافقت فرمایند موقوفاتی که در سال سیزده و سال بیست و یک عایدات ندارد از این لایحه خرج باشد برای اینکه واقفان ارضی ندارد که بيك ماهور برای این امر بکارند

ظاهرانی ت دوست نوهان متجاوز خواهد شد
پهلوانی - پس بنده در این مورد دیگر عرض ندارم
رئیس - جریان مذاکرات مبنی است که از موضوع
 خارج است و سکوت بنده از بابت همه و ارفاق بوده
 خواهش میکنم رفقا در همان حدود خود لایحه صحبت کنند
 چیزی از نیابندکن - صحبت است مذاکرات کافی است
رئیس - پیشنهادات فراتر است

پیشنهاد آقای مؤید احمدی
 بنده پیشنهاد میکنم - ماده اول این آسم نوشته شود
 ماده ۶ - اداره کردن موقوفاتی که متولی ندارد و مجهول
 الذویه است یا وزارت معارف و اوقاف است

پیشنهاد آقای هزار جریبی
 در ماده اول بنده پیشنهاد میکنم عبارت (ممکن است)
 حذف شود

پیشنهاد آقای مرآت
 اصلاح تبصره ماده يك را بنحو ذیل پیشنهاد میکنم
 تبصره - مقصود از مجهول الذویه آنستکه متولی شخص
 یا هیئت همین نباشد و یا بر حسب اوصاف که بالاخره
 متعلق با شخص یا هیئت معینی میشود معلوم نباشد

پیشنهاد آقای دکتر طاهری
 پیشنهاد میکنم ماده اول به ترتیب ذیل نوشته شود
 ماده ۶ - اداره کردن موقوفاتی که متولی ندارد یا
 مجهول الذویه است یا وزارت اوقاف است و وزارت معارف
 میتواند برای اداره آن متصدی معلوم کند و در صورتیکه
 متصدی داشته باشد ممکن است در دست او ابقاء نماید
پیشنهاد آقای محمد خیابانی

ماده ۶ - اداره کردن موقوفاتی که متولی خاصی ندارد
 یا مجهول الذویه است یا وزارت معارف و اوقاف است در صورتیکه
 متصدی این صلاحی داشته باشد وزارت معارف مجزای است
 در دست او ابقاء نماید

رئیس - ماده دوم فراتر است
 ماده ۲ - نسبت به موقوفات عامه که متولی مخصوص

بعد معلوم نمی شود که اصلاً این پولها چه شد حالا اتفاقاً
 در دست من و خوردند پیدا شده و اساس دارد آرا عرض
 میکنم مامور ما بمطابق مؤسسات است یا هیئت ملی که
 برای مصرف معینی پولها را میدهد و باید نظارت
 درش بشود اینها را وزارت معارف نظارت نداشت حالا
 بنده در جزئیات و مقدماتش کار ندارم ولی در معارف
 باید وزارت معارف اینها را جزء مملکت وقت قرار
 بدهد و حق داشته باشد مداخله کند و همچنین می بینیم
 يك نظرهای خصوصی پیدا میشود و البته از مد نظر
 مملکت يك جاعتی پول میدهند برای زلزله فلان نقطه
 بعد از شش ماه می بینیم جام امره فلان نقطه ساخته میشود
 يك مردمی پول میدهند برای سبیل بردن فلان نقطه ولی
 يك عده میروند و بگوراند برای سبیل خرج میکنند يك
 اطفايه بخیرید البته اینها همه کارهای خوب است و اغرض
 نداریم ولی فکر کنیم وقتی مردم را دعوت میکنیم برای
 دادن يك پولهایی اینها پیش خودشان يك فکرها می
 کرده اند بهتر این است چون این مؤسسات غالباً اشخاص
 دانی نیستند و ممکن است پنج نفر مامور خارج و داخل
 بدوند اینها هم وزارت اوقاف نظارت داشته باشد آن هم
 فقط در مصرفش نه در جمع آوردنش فقط در مصرفش حق
 نظارت داشته باشد در ماده سوم این دو نظر را دارم و
 پیشنهاد میکنم

رئیس - ماده چهارم فراتر است
 ماده چهارم - وزارت معارف و اوقاف در موقوفات خاصه
 باسنتها موارد ماده ۷ مداخله ندارد

رئیس - ماده پنجم فراتر است
 ماده ۵ - در موقوفات عامه که اداره آن مستقیماً با
 وزارت معارف و اوقاف است از جهت تقاضای ثبت و اعتراض
 بر ثبت و اقامه دعوی و طرأبت در دعوی و غیره وزارت
 معارف اینها مانند متولی مخصوص خواهد بود و در موقوفات
 عامه که نظارت آن با اداره اوقاف است حق تقاضای
 ثبت و اعتراض بر آن و اقامه دعوی دارد و اگر متولی
 طرف دعوی واقع شده باشد می تواند بتوان ملك داخل

در محاکمه شده و در صورت محکوم شدن متولی بر حکم
 اعتراض نماید
رئیس - پیشنهاد آقای حبیبی فراتر است
پیشنهاد آقای حبیبی
 فرارز اخیر ماده ۵ را بطریقی ذیل اصلاح و پیشنهاد
 می کنم.

(و در موقوفات عامه که نظارت آن با اداره اوقاف
 است در صورتیکه متولی مخصوص اقدام نکند حق تقاضای
 ثبت و اعتراض بر آن و اقامه دعوی دارد و اگر متولی
 طرف دعوی واقع شده باشد میتواند ... الى آخر ماده)
رئیس - ماده شش فراتر است

ماده ۶ - در موارد مذکوره در ماده قبل هرگاه رقبه
 مورد دعوی بموجب تصدیق مالیه محل هیچگونه عایدی
 نداشته باشد وزارت معارف و اوقاف از پرداخت مخارج
 محاکمه معاف خواهد بود و در صورتیکه مالك عایدی داشته
 باشد ولی در مصرف وزارت معارف باشد موقتاً از پرداخت
 مخارج معاف است ولی پس از صدور حکم قطعی و مصرف
 در ملك باید مخارج محاکمه را به پرداختند

رئیس - آقای امیر
 امیر - چنانکه آقایان ملاحظه فرموده اند و البته
 آقای کفیل هم تصدیق خواهند فرمود يك قسمت از املاك
 اوقاف که از دست رفتن برای این بود اوقاف ولایات
 علاوه بر اینکه بودجه نداشتند و مامور داشتند پول نداشتند
 که وکیل بگیرند و پول نداشتند یا اقامه دعوی میکنند
 یا مرکز می نوشتند محل نداشتند این اشکالات پیدا شد
 و همه از میان رفت حالا باید این تجربه ها به ما بیاورد
 که يك فکری میکنیم که عملی بشود. اینجا نوشته امیر
 عایدی نداشت باید مالیه رجوع کند آوقت این مالیه
 تصدیق کند که عایدی ندارد آوقت محاکمه بجای باشد
 یا این علاوه جریان که در ادارات هست که پنجاه سال است
 يك پولی را بکنفر امانت گذاشته در مالیه ترشیز و هنوز
 نتوانسته پس بگیرد این اشکالات را نباید کردن اسباب
 این میشود که نشود تعقیب کرد اگر تعقیب نباید کرد

که قانون نمیخواهد ولی اگر باید تعقیب کرد باید نوشته شود بمقتضای بنده که اگر مواردی که رؤسای اوقاف دیدند موقع مقتضی است شش ماه دیگر سه ماه دیگر اگر سیر کنند موقع اعتراض میگذرد موقع محاکمه اش میگذرد مورد استینافش میگذرد در این موقع مأمور اوقاف برود يك سندی به عدلیه بپارد که این موقوفه تا هفت سال دیگر عایدی پیدا کرد حقوق عدلیه را بدهد عدلیه هم قبول کنند ولی اینکه ما يك مأمور دیگر را هم داخل کنیم و اشکال را زیاد کنیم و در تمام نقاط ممکن است مأمور مالیه باشد اختلاف میشود این است که پیشنهاد کردیم و به عقیده بنده آقای کفیل هم موافقت فرمایند که در مورد تشخیص فوریت به عدلیه نوشته شود از طرف مأمور اوقاف و او هم قبول کند.

رئیس - پیشنهادی راجع بماده ششم رسیده است قرائت میشود:

پیشنهاد آقای دکتر طاهری:

ماده ۶ - در موارد مذکوره در ماده قبیل وزارت معارف و اوقاف از پرداخت مخارج محاکمه معاف خواهد بود چنانچه ملک عایدی داشته باشد و در تصرف وزارت اوقاف باشد یا بموجب حکم قطعی بنسب وزارت مزبور درآید باید بعداً مخارج محاکمه را بپردازند

رئیس - ماده هفتم قرائت میشود:

ماده ۷ - بیع وقف و تبدیل آن در موردی که مطابق مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مدنی جایز است باید به اطلاع تصویب وزارت معارف و اوقاف و با رعایت ماده ۹۰ قانون مزبور واقع شود

رئیس - اشکالی نیست . ماده هشتم قرائت میشود: ماده ۸ - در مواردی که وزارت معارف و اوقاف خائن بودن متولی را احراز نمود در محاکم صالحه اقامه دعوی نموده پس از اثبات خیانت او برای ضم این اداره مدعی عمومی مراجعه می نماید که مطابق مقررات برای ضم این اقدام شود و ممکن است در این صورت خود اداره اوقاف بعنوان امین منضم معین گردد

رئیس - آقای افسر

موضوع دیگر این است که بعضی از موقوفات هست که بمقتضای بنده مقتضی است از این نیم عشر و يك عشر معاف شود یا اگر گرفته میشود بنفع خود موقوفه مسند شود مثلاً يك موقوفه است برای سرایخانه اینها را اگر وزارت معارف و اوقاف نظارت میکند مقتضی نیست که نیم عشر یا يك عشر از عوایدش را بگیرد برای جای دیگر مصرف کند باید بخودش بدهد نظارت خیلی خوب است که ببینند چه مصرف می کنند ولی حق نظاره را به مصرف خودش برساند و همینطور شهر هائی هست که يك اشخاص خیریه آبهائی را وقف کرده اند که بصرف شهر برسد حالا اگر يك عوایدی دارد مقتضی نیست يك عشر یا نیم عشر ارزش گرفته شود و ببرد يك جای دیگر خرج کنند این را بنده پیشنهاد میکنم تا در شور تانی اصلاح شود و يك مذاکره هم یکی از همکارها کردند در کمیسیون بمقتضای بنده آنهم عوایدی که از موقوفات يك حوزه گرفته میشود اگر این مصارف مقرر در همان حوزه هست در درجه اول آن است این هم بایستی اضافه شود این نظریات بنده است و پیشنهاد میکنم

رئیس - آقای دیبا فرمایشی دارید اگر موافقت فرمایند

طباطبائی دیبا - اولاً آقای رئیس چون تذکر دادند که خارج از موضوع نباید حرف زد بنده هم خارج از موضوع نمیشوم و راجع بفرمایشات آقای میرزائی فعلاً صحبتی نمیکم ولی فقط مناسقم ...

رئیس - (صدای زنگ) آقا از موضوع خارج نشوید طباطبائی دیبا - بسیار خوب راجع باین ماده عرض میکنم حق نظاره مصرفش معین شده ولی حق التولیه مصرفش معین نشده عقیده بنده این است که حق التولیه هم اینجا باید علاوه شود بعد از حق نظاره.

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود:

پیشنهاد آقای جشدی

بصره - ماده ۹ را بطریق ذیل اصلاح و پیشنهاد میکنم:

وزارت معارف و اوقاف عواید حاصله از حق نظاره را بدون موضوع نمودن مخارج اداری بصرف ساختمان و تعمیرات ابنیه و آثار تاریخی و مرمت مدارس قدیمه و اماکن مقدسه ملی خواهد رسانید.

پیشنهاد آقای افسر

پیشنهاد میکنم از کلیه مؤسسات معارفی و مدارس بیش از صدی پنج حق التولیه و صدی سه حق نظاره گرفته نشود

پیشنهاد دیگر آقای افسر

پیشنهاد میکنم از آبهائی که وقف بر مشروب کردن شد و قصبات است حق التولیه بیش از صدی چهار و حق نظاره بیش از صدی دو گرفته نخواهد شد

پیشنهاد دیگر آقای افسر

پیشنهاد میکنم حق التولیه از مشاهد مشرفه و دارالایام و دارالحدیثه بیش از صدی دو و حق نظاره بیش از صدی يك گرفته نشود و اگر به موجب وقفنامه حقوق بیشتری منظور است بصرف همان مؤسسه خواهد رسید

پیشنهاد آقای دهستانی

پیشنهاد میکنم ماده ۹ بطریق ذیل نوشته شود: حق التولیه موقوفاتی که مستقلاً وزارت اوقاف اداره نمینماید مطابق وقفنامه خواهد بود و در صورت عدم وقفنامه از عواید خالص يك عشر دریافت میدارد و برای نظارت در سایر موقوفات عامه وزارت اوقاف نیم عشر از عواید خالص دریافت خواهد نمود.

پیشنهاد آقای افسر

پیشنهاد میکنم که بر ماده بصره ذیل اضافه شود: بصره - دریافت حق التولیه و حق نظاره بعد از انجام وظیفه است.

پیشنهاد آقای دکتر احتشام:

بصره ماده نه را اینطور پیشنهاد میکنم. بصره - وزارت معارف و اوقاف عواید حاصله

ماده الحاقیه - عایدات موقوفاتی که مصارف آن مختلف مصالح یا حفظ الصحه عمومی یا امور غیر لازم یا منافی شئون و حیثیات جامعه باشد منحصر بامصرف ناسپس مریضخانه جدید یا تامین مخارج مریضخانه های موجود خواهد رسید.

فرشی - بنده هم پیشنهادی داده ام

رئیس - این پیشنهاد در ماده ۹ است و باید قبلاً

خوانده شود معذک قرائت میشود

پیشنهاد آقای فرشی

این بنده پیشنهاد میکنم در مواد ده و پنج کلمه وزارت معزی الیها تبدیل بوزارت مزبور شود.

رئیس - آقایانی که با ورود در شور دوم این لایحه

موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |

رئیس - اگر اجازه می فرمائید جلسه را ختم کنیم

جلسه آینده پنجشنبه پانزدهم آذرماه سه ساعت قبل از

ظاهر دستور لوایح وزارت معاری

(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

از حقالنظاره بصرف ساختمان و تعمیرات ابنیه و آثار تاریخی و مرمت مدارس قدیمه و اماکن مقدسه ملی هر شهر و نقطه که حقالنظاره اخذ میشود خواهد رسانید.

رئیس - ماده ده قرائت میشود :

ماده ۱۰ - نظامنامه راجع بطرز اداره موقوفاتی که

اداره آن یا وزارت معارف و اوقاف است و بطرز اجرای

نظارت در موقوفاتی که وزارت معزی الیها نظارت دارد

و نظامنامه تعیین مصارف موقوفاتی که مجهول المصرف

و یا مصرف آن مطلقاً مبرات و یا مصرف منافع آن در

مصرفیکه واقع قرار داده معذر است و همچنین نظامنامه

اجرای مواد اینقانون را باید وزارت اوقاف تنظیم

کرده پس از تصویب هیئت دولت بوقوع اجرا گذارد.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود -

پیشنهاد آقای هزارجریبی :

ماده ده را زائد و معز می دانیم پیشنهاد میکنم حذف شود.

رئیس - ماده الحاقیه پیشنهاد آقای احتشامزاده :

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم :